

کتاب خوان

روان‌های روشن



«روان‌های روشن» کتابی است در ۲۴۵ صفحه که آنچنان که نویسنده اش دکتر غلامحسین یوسفی در مقدمه می‌آورد، شامل تصویرهایی است از روان‌های روشن و جان‌هایی پاک که ساعت‌ها و روزهای بسیاری از زندگی نویسنده را روبرو کرده‌اند و خاطر او را خوش داشته‌اند. کتاب تشکیل شده از چندین فصل بدون شماره و هر فصل می‌پردازد به داستانی کوتاه از ادبیات پارسی که به عرفان و اخلاق آمیخته است.

چشمه روشن دیداری با شاعران



«چشمه روشن: دیداری با شاعران» از کتاب‌های مشهور دکتر یوسفی است که در آن مجموعه‌ای از مقالات روبه‌رو هستیم. این مقاله‌ها به شاعران بزرگ ایرانی‌ای می‌پردازد که ادبیات این سرزمین را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند و هر یک‌روزه‌ای در این عرصه به شمار می‌روند. در این کتاب با معرفی هریک از این بزرگان نمونه‌هایی از آثارشان نیز آورده شده و این آثار مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

گلستان سعدی



به باور بسیاری، گلستان، تأثیرگذارترین کتابِ نثر در ادبیات فارسی است که در یک دیباچه و هشت باب، به نثر مُتَمَجِّع (آهنگین) نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های این شاهکار ادبیات، کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پنندهای اخلاقی است. دکتر یوسفی که بخشی از عمرش را صرف تصحیح آثار شیخ سعدی کرد، تصحیحی شناخته شده از گلستان ارائه کرده است.

داستان من و شعر



دکتر یوسفی در زمینه ترجمه نیز کتاب‌هایی ارائه کرده است. یکی از آن‌ها «داستان من و شعر» خودزندگی‌نامه‌ای از نزار قبانی شاعر مشهور عرب است؛ شاعری که با شعرهای عاشقانه‌اش شناخته می‌شود. زن و عشق موضوع اصلی شعر او هستند و برخی خوانندگان بر پایه این اشعار ترانه‌هایی اجرا کرده‌اند.

درس و دانشجو برایش مقدس بودند

نیم‌سده آشنایی و پشت‌نیمکت شاگردی نشستن در کلاس درس دکتر غلامحسین یوسفی از کلمات دکتر محمد مهدی ناصح، آینه‌ای ساخته که می‌توان ویژگی‌های شخصیتی این استاد ادبی را در آن به‌تماشاست. وی می‌گوید: او معلمی واقعی بود. بسیار به درس اهمیت می‌داد. درس و دانشجو برایش مقدس بودند تا آنجا که حتی یک ثانیه از کلاس درس را هدر نمی‌داد و دقت می‌کرد چیزی از قلم نیفتد. همیشه همراه درس و بحث در حوزه ادبیات منابع و مآخذی نیز معرفی می‌کرد و از مای خواست تا آن‌ها مطالعه کنیم.

از استادان برجسته ادبیات دعوت می‌کرد تا به دانشگاه بیایند

عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، ادامه می‌دهد: در دوره کارشناسی ارشد و دکتری از استادان برجسته ادبیات و دیگر علوم مختلف ایران دعوت می‌کرد تا به دانشکده ادبیات مشهد بیایند. در حوزه آداب و فرهنگ و ایران‌شناسی هم استادانی را از خارج کشور دعوت می‌کرد تا دانشجویانش با چهره‌ها و حوزه‌های مختلف ادبی یا مرتبط با ادبیات آشنا شوند؛ استادانی چون سید جلال آشتیانی، سید جعفر شهیدی و عبد شکوه احسن از هندوستان از همین دست بودند.

توجه به سرنوشت دانشجویان

توجه به سرنوشت دانشجویان از دیگر ویژگی‌های اخلاقی استاد غلامحسین یوسفی است که ناصح از آن یاد می‌کند: خاطر م هست که می‌خواستم برای ادامه تحصیل به تهران بروم اما او اجازه نداد و گفت، باید همین جا بمانید و تلاش کنیم تا گروه ادبیات دانشگاه راه بیندازیم. این اصرار او تا آنجا بود که در یکی از سفرهایش به خارج از کشور، نامه‌ای برای رئیس وقت دانشگاه فرستاد که چنین مضمونی داشت: «من که نیستم، مراقب شاگردانم باشید. مبادا مشهد را ترک کنند. دانشگاه به آن‌ها احتیاج دارد.»

دکتر یوسفی تشویق دانشجو را راهکاری برای ترغیب شاگردانش به مطالعه می‌دانست. در این باره دکتر ناصح می‌گوید: دانشجویانی را که در باب موضوعی خاص پژوهش کرده بودند، به سمینارها یا کنگره‌های ادبی مختلف معرفی می‌کرد تا سخنرانی کنند. سپس از مسئولان برگزاری آن سمینار یا کنگره می‌خواست تا به لحاظ مادی یا معنوی از آن دانشجو تقدیر کنند.

من می‌دانم چه گفته‌ام

وی ادامه می‌دهد: در همه حوزه‌های ادبی جامع و کامل بود اما به نقد نگاه ویژه‌تری داشت. اعتقاد داشت که ادبیات بدون نقد شدن پیشرفت نمی‌کند. گاهی تمام ساعت‌های کلاسش صرف نقد و بحث می‌شد و اصرار داشت همه دانشجویها در این بحث‌ها شرکت کنند؛ همه ذوق و شوق دکتر یوسفی این بود که دانشجویانش را در حال آمدوشد به دانشگاه، سمینارها یا همایش‌های مختلف ببیند. خاطر م هست یک‌بار که در حال تصحیح گلستان سعدی بود، پیشنهاد داد م که کمک‌شان کنم. قبول کرد و موضوعی مرتبط با سعدی را به من داد و گفت برو درباره این موضوع تحقیق کن. پس از بررسی متون بسیاری متوجه شدم که خود استاد درباره موضوع مورد نظر در مقاله‌ای بحث کرده و پاسخ را می‌داند. نزد استاد رفتم و گفتم شما خودتان درباره این موضوع صحبت کرده‌اید. گفت من می‌دانم چه گفته‌ام اما می‌خواستم ببینم شما تا کجا به دنبال موضوع می‌روید.

او را باید در سه حوزه اخلاق، علم و نویسندگی ارزیابی کرد

دکتر محمدرضا راشد محصل با این توصیف که دکتر غلامحسین یوسفی یک فرهنگ گسترده

ادبیات و اندیشه



از کتیبه مرکز آثار مفاخر

ر اسناد دانشگاه فردوسی مشهد

مروری بر آثار، شخصیت و خدمات علمی و ادبی دکتر غلامحسین یوسفی در سالروز تولدش جوینده راه ادب

هماسعادتمند– دکتر غلامحسین یوسفی چهره نام‌آشنایی برای اهل ادبیات و فرهنگ است. بسیاری از دانشجویان رشته ادبیات هنوز هم مطالعه آثار او را به عنوان واحدهای درسی در دوران تحصیل خود دارند. افزون بر این تلاش‌های ادبی به‌بارنشسته استاد، چراغ‌راه بسیاری از پژوهشگران در این حوزه است. تصحیح متون کهن فارسی از آثار شاخص این چهره ادبی شده و در کنار آن، او را از پیشگامان نقد ادبی در ایران می‌شناسند. سالروز تولد او سبب شد تا نقبی برزیم به آثار و ویژگی‌های شخصیتی و خدمات ادبی و دانشگاهی‌اش.

بود، می‌گوید: او را باید در سه حوزه اخلاق، علم و

نویسندگی مورد بررسی قرار داد؛ زیرا در هر سه،

ویژه و برجسته بود. مرحوم یوسفی یکی از استادان

خوش فکر و خوش قلمی بود که مطالعه نوشته‌هایش

برای دانشجویان معتنم است.

نثری ساده و دانشگاهی داشت

این عضو قطب علمی فردوسی شناسی و شاه‌نامه دانشگاه فردوسی مشهد با تکیه بر نثر دکتر یوسفی، توضیح می‌دهد: نثر دکتر یوسفی دو ویژگی دارد؛ نخست اینکه ساده است و دوم اینکه نثر او دانشگاهی است؛ یعنی مبتنی بر منابع علمی بسیاری است که با توجه به تکرار مسائل علمی و ادبی در آن‌ها، می‌تواند برای دانشجویان مفید و ارزشمند باشد. این نثر را می‌توان در آثار قلمی او مانند شرح حال نویسندگان یا «برگ‌هایی در آغوش باد» مشاهده کرد.

در تصحیح متون دقیق ونکته‌سنج بود

راشد محصل با اشاره به خدمات استاد یوسفی در

وجود داشت، خود را ملزم کرد که زبان آلمانی را فرا بگیرد تا بتواند تمام اصطلاحات و معانی را به خوبی درک و منتقل کند.

تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر سلمان ساکت، دکتر غلامحسین یوسفی را از استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی در ایران معرفی می‌کند و خدمات او را این‌گونه برمی‌شمرد: او از ابتدای تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد در گروه ادبیات فارسی تدریس کرد. همچنین مهم‌ترین ثمره دکتر غلامحسین یوسفی کتابخانه اوست که بنا بر وصیتش بعد از فوت این مقام ادبی به کتابخانه دانشکده ادبیات اهدا شد و هم اکنون در مکانی مشخص نگهداری می‌شود.

تهیه عکس و فیلم از نسخ خطی فارسی موجود در غرب

استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد ادامه می‌دهد: در کنار همه این‌ها، وی به‌خاطر علاقه بسیارش به ایران با بسیاری از ایران‌شناسان غربی که در این زمینه فعالیت داشتند، مراوده داشت. یوسفی توانست در طول سفرهای خود به کشورهای غربی و بازدید از کتابخانه‌های آنجا، تعدادی از نسخه‌های خطی متون فارسی را شناسایی کند و عکس‌ها و تصاویر آن‌ها را با خود به ایران آورد که به‌آشنایی بیشتر ما با گنجینه‌های ادبی سده‌های گذشته منجر شد.

از برجسته‌ترین استادان تصحیح متون کهن فارسی بود

وی در ادامه با اشاره به آثار دکتر غلامحسین یوسفی می‌گوید: آثار برجسته استاد به دو بخش تصحیح‌ها و ترجمه‌ها تقسیم می‌شود. یوسفی در حوزه تصحیح متون کهن فارسی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین استادان بود؛ تصحیح قابوس‌نامه و گلستان و بوستان سعدی گواهی بر این ادعاست.

ساکت ادامه می‌دهد: دکتر یوسفی به سه زبان انگلیسی، فرانسه و عربی تسلط داشت و این یکی از وجوهی بود که او را از دیگر استادان هم‌رشته خود، متمایز می‌کرد؛ ترجمه کتاب «انسان دوستی در اسلام» نوشته مارسل بوازار فرانسوی، «ترجمه و تحقیق در مورد سعدی» از هانری ماسه، «شيوه‌های نقد ادبی» از دیوید دیچز، «چشم‌اندازی از ادبیات و هنر» اثر ژنه ولک و دیگران، از مهم‌ترین ترجمه‌های اوست. همچنین تسلط به زبان عربی سبب شد تا وی کتاب «داستان من و شعر» را که اثر مهم نزار قبانی است با کمک یوسف حسین بگار از عربی به فارسی ترجمه کند. افزون بر این‌ها «برگزیده‌ای از اشعار عربی معاصر» اثر دکتر مصطفی بدوی از دیگر ترجمه‌های اوست.

از نخستین پیشگامان نقد ادبی ایران بود

دکتر ساکت با اشاره به اینکه نام استاد غلامحسین یوسفی در ردیف نخستین پیشگامان نقد ادبی در ایران قرار دارد، توضیح می‌دهد: در واقع وی آنچه را تا آن زمان به صورت نظری در حوزه نقد ادبی ارائه می‌شد، عملی کرد و نقد را میان دانشجویان رشته ادبیات رواج داد؛ این کار سبب گسترش بیشتر نقد ادبی در دانشگاه‌های کشور شد. تسلط کامل به ادبیات کهن و کلاسیک فارسی از یک‌سو و آشنایی با

مباحث نوین ادبی از سوی دیگر از ویژگی‌های علمی دکتر یوسفی است که این صاحب‌نظر درباره آن چنین عنوان می‌کند: نثر ایشان به گونه‌ای است که هنوز هم وقتی می‌خوانیم، طراوت و تازگی خودش را دارد. او علاقه زیادی به سعدی داشت، ازین‌رو، به تصحیح گلستان و بوستان پرداخت. استاد تصحیح غزلیات سعدی را نیز آغاز کرد که متأسفانه اجل مهلت نداد و پس از مرگ ایشان دکتر پرویز اتابکی کار استاد را به‌تمام رساند.

ناداستان

روایت دکتر محمد مهدی ناصح در باره دکتر غلامحسین یوسفی:

با دلم زندگی می‌کنم نه با پول

چند سکه هم جایزه‌اش بود. استاد گفته بود: «من می‌آیم اما جایزه نمی‌گیرم.» من این را نمی‌دانستم و گمان کردم که جایزه را گرفته است. یک روز از طرف دانشگاه تعدادی خودکار آوردند و بین دانشجویان پخش کردند. خودکارها خیلی بد می‌نوشتند.

فرتور و فرهنگ

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی سفرهایی به خارج از کشور داشته است. عکس سمت راست در مهرماه ۱۳۴۲ در یکی از باغ‌های شهر ژنودر کشور سوئیس گرفته شده و عکس سمت چپ نیز حضور دکتر یوسفی را در فروردین ۱۳۴۳ در لندن انگلستان به ثبت رسانیده است.



■ از کتیبه مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد

پرونده یک ادب



یادداشت

فاطمه محمدزاده

بخردانه نویس خراسانی

نوشتار، جان‌مایه وجود نویسنده است. بهانه‌ای است که او خود، آفرینشگر باشد و احساس بالابند خود را در واژگان بدمد و آن را در ذهن و جان دیگری روان کند. غلامحسین یوسفی از جمله نویسندگانی است که اشراق نوشتارش افق‌های دور دست زبان و ادب فارسی را روشن کرده است. خردی که از ذهن زیبا و کلام توانایش بر زبان فارسی تابیده است؛ آن قدر جاذبه دارد که هرگز نمی‌توان از واژه‌ای به آسانی عبور کرد. ساده می‌نویسد؛ اما چنان واژگان را گزینش می‌کند که گویی سال‌ها با آن‌ها زیسته است. واژه‌های جوان و کهنسال را چنان می‌شناسد و در جای‌جای نوشتار می‌نشانند که گویی همگی دوستان دیرآشنای او هستند. انگار واژه‌ها در همسایگی خرد او زندگی می‌کنند و او هرگاه بخواهد آن‌ها را به هم‌نشینی فرامی‌خواند. غلامحسین یوسفی نه یک فرد که یک اندیشه است. او می‌داند چگونه بنویسد که دیرینه بماند. مثال ما همین کتاب «چشمه روشن» باشد. اثری که برای خواننده، دل‌سیری نمی‌آورد. زلال است؛ همچون چشمه واژه‌هایش. ساده است به سادگی نویسنده‌اش؛ اما گیرا و دلپذیر است. دریایی است که عطر جاودانگی زبان فارسی از آن به مشام می‌رسد. نوشتار کتاب آن قدر نیکو و شایسته است که مخاطب با کوله‌باری از اشتیاق، با شاعران و نویسندگان همراه می‌شود. آنجا که می‌خواهد از غزل و غزل‌سرایان بنویسد، نازنین‌ترین واژه‌ها را برمی‌گزیند، واژه‌ها دلبری می‌کنند در نوشتن مقام معشوق و برشمردن زیبایی‌هایش و آنجا که سخن قصیده به میان می‌آید، او خود، قصیده‌پرداز می‌شود؛ با کلامی سنگین تر. او منتقدی روشن‌اندیش است. در بازنمایی زوایای زندگی و شعر و نوشته بزرگان زبان فارسی آن قدر دقیق و عالمانه سخن می‌گوید که هیچ نکته‌ای را فروگذار نمی‌کند. نوشتارش نمودار قدرت طبع زبان فارسی است؛ گنجینه‌ای از لفظ و معنای تازه و بی‌مانند، روان و روشن‌یاب که این همه از خرد این فرهیخته خراسانی برمی‌آید. او پیوستگی عمیقی با زبان فارسی دارد. آن قدر با این زبان خویشاوند است که در مراعات احوال آن کوشش می‌کند. رعایت نکردن اصول نگارش را عامل رنجاندن این پیوند نزدیک می‌داند و در نوشتارش حتی موردی اندک از این نوع پریشانی دیده نمی‌شود. انگار او در پی ساختن نگارستانی از زبان فارسی است. دکتر یوسفی زبان فارسی را وطن خود می‌داند. وطنی که همواره باید آباد بماند و زیبا.

***دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه فردوسی مشهد**

چامه سرا

شیوه اهل طریقت

سروده‌ای از دکتر غلامحسین یوسفی

خواندیم در کتاب و شنیدیم بارها
کاندر جهان فضیلت، اصل سعادت است
خرم کسی که در ره توانها د گام
خوشبخت آنکه پیرو حق و حقیقت است
انسان به نام و ثروت و جاه و مقام نیست
فضل بشر، به راستی و آدمیت است
گفتند: کسب فضل و ادب کن که هر که کرد
عمرش قرین شادی و اقبال و عزت است
سرپیش کس فرودمیآورد ز روی عجز
روح ذلیل منشا هر ننگ و ذلت است
جزاه حق میبوی و به جز حرف حق مگوی
این است آنچه شیوه اهل طریقت است
آزادگان به راه حقیقت دهند جان
آنجا که مرد فضل و شرف، مرگ راحت است
لیکن دریغ و درد که دیدم به چشم خویش
فضل و هنر نشانه ادبیار و نکبت است
هر جاهنروری ست به صدر رنج مبتلاست
هر کس که پاک زیست اسیر مصیبت است
آزادگی نماند که از او دهم نشان
آزاده را نصیبی اگر هست محنت است
دیدم نوای عشق و حقیقت بشد خموش
هر چیز جلوه گاه مجاز است و صنعت است
قدر کسان به فضل و شرف استوار نیست
ناکس نگر به مسند اقبال و حشمت است
خالی شده ست بیشه ز شیر زبان چنانک
روباہ را برای تکاپوی فرصت است
باری میان آنچه شنیدیم و خوانده ایم
با آنچه دیدم ایم تفاوت به غایت است
یارب کدام راه، ره نیکبختی است
فکر م در این قیاس گرفتار حیرت است
من جز به سوی حق و شرف رونمی‌کنم
هر چند کس نه طالب حق و فضیلت است
گنج قناعت و هترای دل مراد ماست
«گوهر چودست داد به دریا چه حاجت است؟»